



صله رحم فقط دیدار نیست

صله رحم از اعمال دینی بافضیلتی است که گاهی تلقی مهمانی و حتی دیدارهای اجباری از آن می‌شود.

صله رحم از اعمال دینی بافضیلتی است که گاهی تلقی مهمانی و حتی دیدارهای اجباری از آن می‌شود. اجباری از این جهت که گاهی اوقات در چنین دیدارهایی غیبت می‌شود، دلخوری‌هایی پیش می‌آید، حدود و مرزهای مهمان و میزبان مشخص نمی‌شود... بناداب، کمکه انداز، لطیفه البته دقته، ادب، عمارت سما، م... لازم است مفهوم صله رحم را از نو بازنگری کنیم تا بدانیم آنچه در قالب این کار یاد گرفته ایم چقدر با واقعیتش فاصله دارد و کدام خطاها موجب بدبینی یا کمرنگ شدن جایگاه آن در ذهنمان شده است.

چیستی متفاوت یک عادت مرسوم

صله رحم یک مهمانی است و حال و احوال و پرسیدن از آب و هوا و گرانی و ترافیک و ماجرای ازدواج‌ها و بچه دار شدن‌های فامیل و چیزهای دیگری شبیه این. فقط همین؟ چنین حرف‌هایی چه منفعت فزاینده‌ای برای میزبان و مهمان دارد؟ قبول که با بعضی افراد حرفی بیش از اینها نداریم، ولی هدف صله رحم به همین حرف‌های تکراری و معمولاً بی‌نتیجه یا کم‌نتیجه ختم نمی‌شود. خوب است حتی دیدارها برایمان راهی برای رشد و شکوفایی باشد.

علی صفایی حائری درباره صله رحم و دورشدن از چنین دوره‌های عادت می‌گوید: «صله رحم، تنها به این نیست که بیایی و چند دقیقه‌ای بنشین و بروی. صله رحم یعنی وصل کنی آنچه را که باعث رشد آنها و جایگاه پرورش آنهاست و اتصال بدهی به یکدیگر آنچه شما را زیاد می‌کند تا رحم‌ها به یکدیگر وصل بشوند و قرب‌ها به وجود بیاید و کثرت‌ها و تولیدها در نتیجه این وصل امکان پیدا کنند. در صله رحم، مطلوب این است که کسری دو طرف از بین برود و به رزق‌ها و کمبودهای افراد رسیدگی بشود. چگونه؟ «بالیر و الصلّه»؛ با محبت‌هایی که به آنها داریم و خوبی‌ای که به آنها می‌کنیم.» (بهار رویش، ص 84)

در عبارت بالا «برز» به معنی رشد و خوبی است و صله رحم باید موجب رشد و زیادت می‌شود، نه این که با تعریفی بیهوده، بیش از گذشته‌ها فریب بخوریم و از این طریق شخص زیر بار حرف نابجایی که می‌زند، خودش نیز خراب شود و نه این که صرفاً به ما خوش بگذرد، زیرا گاهی در خوشگذرانی‌ها خوبی و رشد نصیبمان نمی‌شود.

حال سوال این است که این ارحام چه کسانی هستند که باید به صورت متقابل موجب رشد یکدیگر شویم؟ کلمه «ارحام» جمع کلمه «رحم» است و رحم در اصل به معنای محل نشو و نما، جنین در شکم مادران است؛ همان عضو داخلی که خدای عز و جل در باطن زنان قرار داده تا نطفه در آن تربیت شود و فرزندی تمام عیار شود، این معنای اصلی کلمه رحم است، ولی بعدها در معنای قرابت و خویشاوندی استعمال شد، چون خویشاوندان همه در این که از یک رحم خارج شده‌اند مشترکند. پس کلمه رحم به معنای نزدیک و ارحام به معنای نزدیکان انسان است. (ترجمه المیزان، ج 4، ص 220)

توضیح رحم به خویشاوندان و نزدیکان آدمی آن هم در نسبت‌های ظاهری محدود نمی‌شود. در تفسیر بیان السعاده، صله رحم به دو دسته جسمانی و روحانی تقسیم می‌شود. زیرا صاحب بیان السعاده معتقد است که خدا در انسان دو نشئه خلق کرده است که هر کدام اصول و فروعی برای خود دارد و آنها را اصول و فروع انسان می‌نامند. هر کسی که با یک فرد به یک اصل منتهی شود، چون منتهی به یک رحم می‌شود، رحم (خویشاوند) نامیده شده است. ولی چیزی به نام رحم‌های روحانی نیز وجود دارد که اتفاقاً بر رحم‌های جسمانی برتری دارند. همان طور که روح بر جسم برتری دارد، پس صله رحم‌های روحانی نیز برتری دارد به صله رحم‌های جسمانی. خدا برای صحت نسبت‌های روحانی یکسری اصولی قرار داده است که اگر نسبت‌ها بر آن اصول معین قرار نگیرد، بی اعتبار می‌شود. (ترجمه بیان السعاده، ج 4، ص 3) در ادامه خواهیم دید این رحم‌های روحانی چه کسانی هستند.

روش انجام صله رحم

معمولاً وقتی صحبت از صله رحم می‌شود، صرفاً مصداق دید و بازدیدهای حضوری در ذهن افراد تداعی می‌شود و اگر بخواهند صله رحم را امروزی انجام دهند، می‌گویند: «تلفن زدیم، پیامک زدیم، ایمیل زدیم، چت کردیم و...» در حالی که صله رحم محدود به رفتن و دیدن یکدیگر یا به عبارت بهتر انجام مراسم مهمانی نیست.

شنیدن سخنان ائمه، بسیاری از مرزهای صله رحم‌های مرسوم را در هم می‌شکنند. زیرا هستند کسانی که برای صله رحم به مهمانی می‌روند و بعد چه قهرها و دلخوری‌های بسیار ایجاد می‌کنند؛ یک کار بظاهر خیر برای دنباله‌های شر! امام صادق(ع) می‌فرماید: برترین پیوند خویشاوندی این است که از آزارش خودداری شود. (کافی، ج 2، ص 151)

مصداق کامل صله رحم این است که پیش از دیگران نیاز خویشان خود را برطرف و آنان را خوشحال کنیم. صله رحم و پیوند با هر خویشاوندی متناسب با شأن اوست، حتی گاهی سلام کردن به او یا پاسخ نیکو دادن به سلام خویشاوند مصداق صله رحم می‌شود، زیرا وی به کمک مالی نیازی ندارد. برخی شیوه‌های صله رحم عبارتند از: ترک آزار خویشاوندان، سلام و تحریک، اطعام گرچه به جرعه آبی باشد، عیادت از بیمار، شرکت در مراسم عزاء، زیارت و دیدار، هدیه دادن و تامین نیازهای آنان پیش از

دیگران. (مفاتیح الحیاء، صص 5 - 214)

پنهانی های زیبای یک عمل عبادی

برای یافتن کسانی که هر شخص موظف است با آنان پیوند خویشاوندی خود را حفظ کند، فقط کافی است به احادیث رجوع کنیم تا از این طریق حتی اولویت بندی چنین تقسیم بندی هایی را نیز بیابیم.

بر پایه روایات، مراتب صله رحم عبارتند از: 1 - پدر و مادر و از این دو، مادر مقدم است. 2 - برادران و خواهران 3 - دیگر اقوام نسبی (عشیره: عموها، عمه ها، دایی ها، خاله ها، عمزاده ها و...) و 4 - بستگان سببی (دامادها، پدر زن و مادر زن و...). (مفاتیح الحیاء، ص 217)

تا این مرحله از شناخت خویشاوندان را غالباً می دانیم، ولی دایره صله ارحام به همین جا ختم نمی شود. مثلاً دوستی ها نیز می تواند به این گود وارد شود، زیرا دوستی ها، رفاقت ها و معاشرت ها حق ایجادکن است. شهید مطهری در باب حدیثی از امام صادق(ع) می گویند: «مَوَدَّةٌ یَوْمٌ مِیْلَةٌ» یعنی یک روز دوستی فقط یک تمایل است «و مَوَدَّةٌ شَهْرٌ قَرَابَةٌ» یک ماه دوستی قوم و خویشی است «و مَوَدَّةٌ سَنَةٌ رَحِمٌ مَاسَّةٌ» و یک سال دوستی رحمی است که با یکدیگر تماس دارد، خویشاوندی نزدیک است، یعنی مثل دو تا برادر که از یک رحم به دنیا آمده اند، این حکم را دارد و قطع او حکم قطع رحم را پیدا می کند. در باب صله رحم چقدر ما شنیده ایم: «مَنْ قَطَعَهَا قَطَعَهُ اللَّهُ» کسی که رحم را قطع کند خدای خودش را قطع کند... (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 26، ص 566)

بنا به نظر آیت الله جوادی آملی در بالاترین سطح صله رحم باید به کسانی اشاره کرد که واسطه حیات جاودانه انسان هستند و حق حیات معنوی بر او دارند. این گروه پیامبر اسلام و اهل بیت اویند که معرفت و اطاعت آنان برترین نوع صله ارحام و رعایت حق خویشاوندی است. امام صادق(ع) می فرمود: اللَّهُمَّ صَلِّ مَنْ وَصَلْتَنِي، وَ اقْطَعْ مَنْ قَطَعْتَنِي یعنی: خدایا بپیوند با کسی که با من پیوسته است و بگسل از کسی که از من گسسته است. (کافی، ج 3، ص 388)

این بزرگان در دسته ارحام روحانی قرار می گیرند. این مصادیق، دلیل مناسبی برای تاکیدات بسیار بر اهمیت صله رحم است که دوری از معصومین چه آفت های متعددی را می تواند در پی داشته باشد.